

سرشناسه	:	نامی، محمدحسن. ۱۳۳۳ -
عنوان و نام پدیدآور	:	تحلیل ژئوپلیتیکی مرز ایران و عراق و تأثیر آن بر امنیت ملی / مولفین محمدحسن نامی، عزت‌الله عزتی.
مشخصات نشر	:	تهران: دانا پناه، ۱۳۹۱.
مشخصات ظاهری	:	۴۲۴ص: مصور(بخشی رنگی)، نقشه.
شابک	:	978-600-93315-9-8
وضعیت فهرست نویسی	:	فیپا
یادداشت	:	کتابنامه.
موضوع	:	جغرافیای سیاسی -- ایران
موضوع	:	جغرافیای سیاسی -- عراق
موضوع	:	امنیت مرزی -- ایران
موضوع	:	امنیت مرزی -- عراق
موضوع	:	ایران -- مرزها -- عراق
موضوع	:	عراق -- مرزها -- ایران
شناسه افزوده	:	عزتی، عزت‌الله، ۱۳۲۴ -
رده بندی کنگره	:	۱۳۹۱۳۱۹JC ۳۲ن/
رده بندی دیویی	:	۱۲۰۹۵۵/۳۲۰
شماره کتابشناسی ملی	:	۳۰۶۵۲۱۱

دانا
پناه

تحلیل ژئوپلیتیکی مرز ایران و عراق و تأثیر آن بر امنیت ملی

دکتر محمدحسن نامی، دکتر عزت‌الله عزتی

ناشر: دانا پناه

چاپ: اول - ۱۳۹۲

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۱۸۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۳۳۱۵-۹-۸

تهران، بزرگراه رسالت، مجیدیه شمالی، خیابان برادران محمودی شرقی، کوچه امید، پلاک ۱

تلفن: ۲۲۵۲۰۷۰۲ و ۲۲۵۱۲۸۳۴ دورنگار: ۲۶۳۰۰۶۶۸

فصل اول: امنیت و سیر تحول آن و جایگاه مرز در امنیت

۱- امنیت

۱-۱- مفهوم امنیت

۱-۲- سطوح مختلف امنیت

۱-۲-۱- امنیت فردی

۱-۲-۲- امنیت ملی

۱-۲-۲-۱- ابعاد اساسی امنیت ملی

۱-۲-۲-۱- بعد نظامی امنیت ملی

۱-۲-۲-۱- بعد اقتصادی امنیت ملی

۱-۲-۲-۱- بعد منابع - محیطی امنیت ملی

۱-۲-۲-۱- بعد سیاسی - فرهنگی امنیت ملی

۱-۲-۳- امنیت منطقه‌ای

۱-۲-۴- امنیت بین‌المللی

۳- ویژگی‌های امنیت

۱-۳-۱- نسبی بودن امنیت

۱-۳-۲- ذهنی بودن امنیت

۱-۳-۳- ماهیت متغیر محیط امنیتی

۱-۳-۴- نامشخص بودن و فراخ بودن عرصه، قلمرو و حریم امنیتی

۱-۳-۵- عدم پایداری مرز هویتی در تعریف خودی - غیر خودی (Same/Other) امنیت

۴- تحول مفهوم امنیت

۱-۴-۱- دوره اول (۱۹۴۵-۱۷۰۰)

۱-۴-۲- دوره دوم ۱۹۴۵-۱۹۹۰

۱-۴-۳- دوره سوم از ۱۹۹۰ به بعد

۱-۴-۴- حادثه یازدهم سپتامبر و مفهوم امنیت

۵- امنیت مرز

فصل دوم: تحولات ژئوپلیتیک مرز در جهان و منطقه

۶۵

۶۷

۲- مفهوم مرز

۶۷

۲-۱- ماهیت فلسفی مرز

۶۹

۲-۲- منشأ مرز

۷۱

۲-۳- تعریف مفهوم مرز

۷۲

۲-۴- روند تکامل مرز

۷۴

۲-۴-۱- سرحد

۷۵

۲-۴-۲- تمایز بین سرحدات و مرزها

۷۷

۲-۵- انواع مرز

۸۴

۲-۶- مراحل تکامل خط مرزی

۸۵

۲-۷- اختلافات مرزی

۸۷

۲-۸- کارکردهای مرز

۸۸

۲-۹- رویکرد جدید جغرافیایی به مرز

۹۱

فصل سوم: جایگاه مرز در دکترین‌های نظامی ج.ا. ایران

۹۳

۳-۱- تعریف دکترین

۹۴

۳-۲- انواع دکترین

۹۵

۳-۳- دکترین نظامی

۱۰۱

۳-۳-۱- تعریف دکترین نظامی از دیدگاه‌های متفاوت

۱۰۴

۳-۳-۲- چارچوب مفهومی و بنیان نظری دکترین نظامی

۱۱۱

۳-۳-۳- ارتباط بین دکترین و راهبرد

۱۱۲

۳-۳-۴- انواع دکترین نظامی

۱۲۹

فصل چهارم: تحول در جایگاه ژئوپلیتیک در رابطه با مرز و...

۱۳۱

۴-۱- مفهوم ژئوپلیتیک

۱۳۳

۴-۲- سیر تحول در علم ژئوپلیتیک

۱۳۳

۴-۳- رویکردهای ژئوپلیتیک از بدو تولد تاکنون

۱۴۲

۴-۴- عوامل مؤثر در ژئوپلیتیک

- ۱۴۲ ۱-۴-۴- عوامل ثابت ژئوپلیتیک
- ۱۴۲ ۱-۱-۴-۴- موقعیت جغرافیا
- ۱۵۴ ۲-۱-۴-۴- شکل
- ۱۵۶ ۳-۱-۴-۴- توپوگرافی، آب‌ها، ارتفاعات (دهلیزبندی‌ها) جغرافیایی استراتژیک
- ۱۶۱ ۴-۱-۴-۴- فضا و تقسیمات آن
- ۱۶۲ ۵-۱-۴-۴- وسعت خاک
- ۱۶۳ ۲-۴-۴- عوامل متغیر ژئوپلیتیک

۱۷۳ فصل پنجم: ژئوپلیتیک ایران و عراق در قرن بیست و یکم

- ۱۷۵ ۱-۵- مقدمه
- ۱۷۷ ۲-۵- بررسی و مقایسه ویژگی‌های ژئوپلیتیکی ایران و عراق
- ۱۷۷ ۱-۲-۵- جایگاه دو کشور ایران و عراق در نظریات ژئوپلیتیکی
- ۱۷۷ ۱-۱-۲-۵- جایگاه ایران در نظریه‌های ژئوپلیتیک
- ۱۸۱ ۲-۱-۲-۵- جایگاه عراق در نظریه‌های ژئوپلیتیک
- ۱۸۲ ۲-۲-۵- عوامل فیزیکی
- ۱۸۲ ۱-۲-۲-۵- موقعیت استراتژیکی ایران و عراق
- ۱۸۳ ۲-۲-۲-۵- موقعیت ارتباطی ایران و عراق
- ۱۸۵ ۳-۲-۲-۵- برخورداری از موقعیت دریایی و ساحلی (دسترسی به آب‌های آزاد)
- ۱۸۶ ۴-۲-۲-۵- وسعت و عمق استراتژیک ایران و عراق
- ۱۹۱ ۵-۲-۲-۵- شکل ایران و عراق
- ۱۹۳ ۶-۲-۲-۵- وضعیت توپوگرافیکی ایران و عراق
- ۱۹۴ ۷-۲-۲-۵- وضعیت منابع آب ایران و عراق
- ۱۹۷ ۸-۲-۲-۵- وضعیت مرزهای ایران و عراق
- ۱۹۸ ۳-۲-۲-۵- عوامل انسانی
- ۱۹۸ ۱-۲-۲-۵- کمیت جمعیت در ایران و عراق
- ۲۰۰ ۲-۲-۲-۵- پراکندگی جمعیت و تراکم آن در ایران و عراق
- ۲۰۲ ۳-۲-۲-۵- وضعیت قومی، نژادی و مذهبی
- ۲۰۲ ۱-۳-۲-۲-۵- وضعیت قومی، نژادی و مذهبی در ایران
- ۲۰۴ ۲-۳-۲-۲-۵- وضعیت قومی، نژادی و مذهبی عراق
- ۲۰۵ ۴-۳-۲-۵- شاخص‌های توسعه انسانی ایران و عراق
- ۲۰۸ ۵-۳-۲-۵- ظرفیت‌های علمی و فناوری ایران و عراق

فصل هشتم: ارائه راهکارهای اقتصادی (ژئواکونومیک)

۳۳۳

۳۳۵

۸-۱- مفهوم ژئواکونومی

۳۳۶

۸-۲- قلمروهای ژئواستراتژیک در سده بیست و یکم

۳۳۸

۸-۳- حوزه‌های ژئواستراتژیک پس از پایان جنگ سرد

۳۴۰

۸-۳-۱- قلمروهای ژئواستراتژیک از نظر برژینسکی

۳۴۱

۸-۳-۲- قلمروهای ژئواستراتژیک از نظر هانتینگتون

۳۴۲

۸-۴- ژئواکونومی و تعیین مناطق جدید

۳۴۳

۸-۵- اهمیت خاورمیانه در معادلات ژئوپلیتیکی دوران جنگ سرد و ...

۳۴۶

۸-۶- اهمیت خلیج فارس در مباحث ژئواکونومی

۳۴۹

۸-۷- بررسی وضعیت کشورهای در صحنه بین‌الملل و جایگاه ایران

۳۵۰

۸-۸- جایگاه استراتژیک و ژئواکونومیک ایران

۳۵۶

۸-۹- عوامل اقتصادی مؤثر در همگرایی و واگرایی ایران و عراق

۳۶۹

فصل نهم: نتیجه‌گیری و پیشنهاد

۳۷۱

۹-۱- نتیجه‌گیری

۳۸۱

۹-۲- پیشنهادات

۳۸۹

منابع:

پیشگفتار

جغرافیا سیستمی مرکب از عوامل و عناصر طبیعی، محیطی و انسانی در هم تنیده و مرتبط با هم است که فضای سطح سیاره زمین را به مثابه زیستگاه انسان تشکیل می‌دهد.

ارزش و عوامل جغرافیایی به لحاظ ساختاری و یا کارکردی، ماهیتی دوگانه دارند. بدین معنا که یک عامل جغرافیایی برای یک فرد یا گروه انسانی ممکن است، مثبت تلقی شود در حالی که همان عامل برای فرد یا گروه دیگری دارای ارزش منفی انگاشته شود. به علاوه اینکه هویت ساختی و کارکردی عوامل، دارای ارزش ثابت و پایداری نیستند. بنابراین می‌توان ادعا کرد که عوامل جغرافیایی از سیالیت ارزشی برخوردار هستند.

مهم‌ترین عرصه تجلی رابطه جغرافیا و سیاست، نظام سیاسی مستقل و یا حکومت است که به نیابت از دو عنصر پایدار یعنی سرزمین و ملت و یا انسان‌های برمی و مقیم آن موجودیت یافته و به ایفای نقش می‌پردازد. درک واقعیت‌های جغرافیایی و در رأس آن پدیده‌های انسانی می‌تواند راهگشای مسئولان کشورها باشد تا بتوانند به عنوان یک بازیگر مهم وارد صحنه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی شوند. بنابراین عوامل و ارزش‌های جغرافیایی می‌توانند به سطح قدرت یک کشور در مقابل کشور مقابل کمک کنند و یا اینکه آن را محدود سازند.

بنابراین، شناخت ویژگی‌های طبیعی، انسانی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و نظامی کشورها، به ویژه کشورهای همسایه و منطقه‌ای، جزو اولین و اصلی‌ترین پیش‌نیازها جهت حرکت در مسیر تأمین منافع ملی کشور محسوب می‌شود. مطالعه شاخص‌های فوق می‌تواند ما

را به تخمین کارکردها و نقش‌های هر واحد سیاسی سوق دهد. از تعامل معادلات مذکور سیاست خارجی دولت‌ها شکل می‌گیرد و به عنوان چهارچوب رفتار خارجی کشورها در نظام بین‌الملل، منافع ملی تعقیب، کسب و حفظ می‌شوند.

www.ketab.ir

مقدمه

آگاهی به اهمیت مسائل ژئوپلیتیک، قدرت‌های بزرگ را از اواخر قرن نوزدهم ترغیب کرد تا با استفاده از دستاوردهای علمی، از موقعیت‌های جغرافیایی کشورها به نفع سیاست‌های خود بهره گیرند. این امر باعث رفعت گسترده‌ای میان واحدهای قدرتمند سیاسی در آن زمان شد. هر یک از این کشورها تلاش می‌کرد تا قدرت خود را افزایش دهد و سرزمین‌های بیشتری را تحت سیطره خود درآورد. این موضوع موجب نظریه‌پردازی‌هایی شد که به نظریه‌های ژئوپلیتیک شهرت یافت و مطالعه سنجیر ژئوپلیتیک، به عنوان یک عامل مؤثر در سیاست بین‌الملل، از توجه شایانی برخوردار گردید.

یکی از متغیرهای مؤثر در شکل‌گیری خطومشی سیاست خارجی کشورها در روابط بین آنها، ویژگی‌های ژئوپلیتیک آنهاست. به عبارت دیگر، سیاست خارجی به عنوان یک متغیر وابسته، تا اندازه زیادی متأثر از محدودیت‌های ژئوپلیتیک است. اگرچه امروزه منافع ملی کشورها مهم‌ترین معیار برای تصمیم‌گیری‌های سیاسی است، ولی نباید فراموش کرد که منافع ملی واقع بینانه، در ارتباط با ظرفیت اقدام دولت‌ها تعریف می‌شود و یکی از اساسی‌ترین عوامل در تعیین توان ملی، ژئوپلیتیک است.

تحقیق در زمینه رابطه میان جغرافیا و قدرت سیاسی ملل از زمان یونانیان قدیم یعنی از حدود دو هزار سال پیش انجام می‌گرفته است. (میرحیدر، ۱۳۵۷: ۷)

ارسطو، استرابو و دانشمندان دیگر، درباره ارتباط میان محیط و قدرت سیاسی دولت‌ها

مطالبی اظهار داشته‌اند، اما مطالعه جدی‌تر رابطه بین ژئوپلیتیک و سیاست خارجی از اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم شروع شد. در این دوره برخی از صاحب‌نظران، مانند مکیندر و هاوس هوفر، بر آن بودند که موقعیت جغرافیایی یک کشور، تمام سیاست خارجی آن را شکل می‌دهد. (جعفری ولدانی و حق شناس، ۱۳۸۵: ۳۰)

شاید این دیدگاه قدری مبالغه‌آمیز به حساب آید، ولی باید بپذیریم که عامل جغرافیا به گونه‌ای خود را بر نظام‌های سیاسی تحمیل می‌کند و در بسیاری از موارد سیاست خارجی دولت‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این امر صرفاً به سیاست خارجی کشورها مربوط نمی‌شود، گاه تغییر نخبگان و نظام‌های سیاسی از لحاظ قرار گرفتن یک کشور در موقعیت جغرافیایی و وضعیت ژئوپلیتیک خاص آن قابل مطالعه است، چنانکه بعضی از دانشمندان ظهور و سقوط امپراطوری‌ها را از منظر دگرگونی‌های عمده‌ای که در شرایط اقلیمی پدید آمده است مورد بررسی قرار داده‌اند.

مورگنتا از محققان روابط بین‌الملل، بیشتر به دائمی بودن عامل ژئوپلیتیک توجه می‌کند و معتقد است از پایدارترین عواملی که قدرت یک کشور متنی بر آن است موقعیت جغرافیایی آن است. (Morgenthau, 1967: 107-106)

سولیوان، ژئوپلیتیک را مطالعه جغرافیایی مناسبات میان قدرت‌های اداره کننده به مثابه قانون‌گذاران ملت‌ها یا بدنه و ساختارهای فراملی می‌داند. (Sullivan, 1986: 2)

به نظر وود و دمکو، تقسیم قدرت و چگونگی آرایش آن در جهان به لحاظ سیاسی و نظامی در حوزه مباحث جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیکی جای می‌گیرد. (Wood & Demco, 1994: 2)

تحولات سیاسی بعد از جنگ جهانی دوم، رشد جنبش‌های آزادی بخش و استقلال طلبانه در قاره‌های کهن جهان به موازات رشد و گسترش علوم انسانی، انسان را در کانون توجه ژئوپلیتیست‌ها قرار داد. وود و دمکو به مجموعه شرایط فوق، تحولات اقتصادی و افزایش

ارزش انرژی سوخت در جهان و افزایش اهمیت و اعتبار خاورمیانه را در مقام محور تأمین سوخت می‌افزایند. به نظر آنان از دیدگاه جغرافیای سیاسی، عناوین امروز این علم، محصول اقتصاد اجتماعی، محیط زیست، نیروهای سیاسی متغیرهایی هستند که در گذشته در علوم اجتماعی بی‌اهمیت انگاشته می‌شدند. این متغیرها عبارتند از: قوم‌گرایی، منطقه‌گرایی، مرزها، ناسیونالیسم، منابع طبیعی، کیفیت محیطی، توزیع و رشد جمعیت، مهاجرت، نابرابری و وابستگی در حال رشد در میان مناطق جهان و اقتصادشان (صفحه، ۱۳۸۰: ۴۸-۴۶).

وضع جغرافیایی از جمله عواملی است که نسبت به عوامل متغیر تأثیرگذار در ژئوپلیتیک کشورها از ثبات و پایداری بیشتری برخوردار است و بر همین اساس می‌توان یک جهت‌گیری مشخصی را در تاریخ سیاست خارجی کشورها تعقیب کرد، چنان که سیاست خارجی انگلیس و ملاحظات امنیتی این کشور بر این مبنا شکل گرفته است که از اتحاد سرزمین‌های مجاور و سواحل خود (ایرلند) تحت یک قدرت واحد جلوگیری کند. در فرانسه نیز همیشه از رودخانه راین به عنوان مرز شمالی دفاع شده است. همچنین در سیاست خارجی روسیه کنترل آبراه‌های دریای سیاه و دسترسی به آب‌های گرم جنوب همیشه مدنظر بوده است. (کاظمی، ۱۳۷۰: ۴۰)

بنابراین ملاحظه می‌کنیم برای کسانی که آشنایی اجمالی با ژئوپلیتیک دارند، درک مفهوم اساسی بین جغرافیا و سیاست و امنیت کار دشواری نیست. نیکولاس اسپایکمن بر این اساس معتقد بود که مطالعه جغرافیایی یک کشور در جهان با سیاست خارجی آن کشور توافقی اساسی دارد. لذا اینکه برخی گفته‌اند جغرافیای یک کشور سیاست آن را تعیین می‌کند، ناشی از یک رشته واقعیت‌های ملموس و عینی است. (همان منبع: ۳۹).

امروزه گرچه به واسطه پیشرفت‌های شگرف علمی و فنی، ژئوپلیتیک کشورها دستخوش تحول اساسی شده است، ولی این بدان معنا نیست که دیگر موقعیت جغرافیایی در سیاست خارجی کشورها تأثیری ندارد. توجه به ویژگی‌های ژئوپلیتیک کشور باعث خواهد شد که

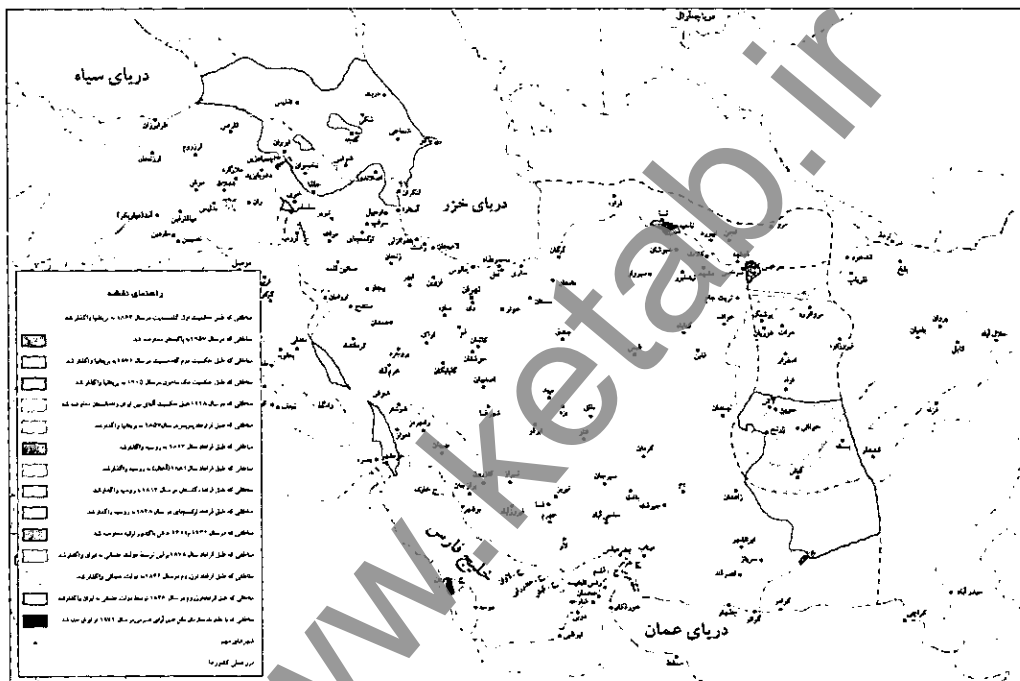
سیاستمداران به نقاط قوت و ضعف کشور خود واقف شوند و در اتخاذ خط و مشی‌های سیاسی و بین‌المللی از واقع‌بینی لازم برخوردار گردند و اهداف و منافع خود را متناسب با ظرفیت اقدام‌شان تعقیب کنند. توجه به این نکته نیز ضروری به نظر می‌رسد که ژئوپلیتیک ممکن است به عنوان یک عامل مثبت، سیاست خارجی کشورها را مورد حمایت قرار دهد یا به عکس، نقش منفی در تعقیب منافع ملی ایفا کند. این وضع نسبت به شرایط بین‌المللی و نحوه استفاده از این عامل توسط سیاستگذاران خارجی در نوسان خواهد بود.

در تصمیم‌گیری‌ها و اتخاذ خط و مشی‌های سیاسی، توجه دقیق به موقعیت‌های ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک تضمینی برای اجرای صحیح هر یک از آنها خواهد بود. با تمام تحولات انجام شده در امر تکنولوژی و ارتباطات، تجارب جنگ‌های گذشته، این نکته را ثابت کرده که هر گاه کشوری دارای یک موقعیت ژئواستراتژیک باشد، هیچگاه خود را نمی‌تواند از تحولات جهانی دور نگه دارد یا به عبارت دیگر منزوی باشد، زیرا به ناچار بخشی از یک استراتژی نظامی خواهد بود و باید سعی کند با درک موقعیت به عنوان یک وزنه استراتژیک وارد عمل شود و با بهره‌گیری از موقعیت خاص جغرافیایی، برای پیشرفت و توسعه کشور و ملت خود گام بردارد. (عزتی، ۱۳۷۷: ۷۸)

مرزهای سیاسی و بین‌المللی نیز یکی از انواع مرزها هستند که با توجه به کارکردهای مختلف، مهم‌ترین عامل حفاظت و نگهبان تمامیت ارضی و اولین مانع نفوذ و تعدی به قلمرو کشور محسوب می‌شوند. بنابراین نقش مرزها در حفظ نظام سیاسی، اقتدار و امنیت ملی، تحکیم موقعیت اقتصادی و استواری پایه‌ها و ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی نقش بی‌بدیلی می‌باشد. اما این کارکردهای مرزی به وسیله آسیب‌ها و تهدیدهای گوناگون ممکن است مورد مخاطره قرار گیرد و عملکرد آنها مختل و تضعیف گردد.

از سوی دیگر، عوامل ژئوپلیتیکی مختلفی بر نقش و کارکرد مرزها موثرند، که از آن جمله

می‌توان به مواردی چون: نظام‌های سیاسی کشورهای همسایه در دو سوی مرز، ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی مرزنیسان، موقعیت نسبی کشور و نوع فضای استراتژیک مسلط بر منطقه، نوع نگرش و رفتار حکومت‌ها نسبت به مرز، ذخایر و منابع طبیعی موجود در منطقه مرزی، پیمان‌های سیاسی - نظامی کشورهای هم مرز با قدرت‌های فرامنطقه‌ای و... اشاره کرد.



نقشه شماره ۱: مناطق جدا شده از ایران طی ۲۰۰ سال گذشته (۲/۵ میلیون کیلومتر مربع)

در طول بیش از ۴۵۰ سال، یعنی از سال ۱۵۵۵م، که عهدنامه آماسیه بین ایران و عثمانی به امضاء رسید تا سال ۱۹۷۵م، که عهدنامه مرزی و حسن همجواری بین ایران و عراق امضاء شد، حدود ۲۰ عهدنامه بین ایران و همسایه عربی آن در مورد حل اختلاف‌ها و تعیین مرز بین دو کشور به امضاء رسیده است.

مهم‌ترین این عهدنامه‌ها عبارتند از: عهدنامه قصر شیرین (۱۶۳۹م)، عهدنامه گردان (۱۷۴۶م)، عهدنامه اول ارزروم (۱۸۲۳م)، عهدنامه دوم ارزروم (۱۸۴۷م)، پروتکل تهران

(۱۹۱۱م)، پروتکل اسلامبول (۱۹۱۳م) و عهدنامه مرزی و حسن همجواری (۱۹۷۵م).

با چنین برداشتی، تحلیل ژئوپلیتیکی مرز ایران و عراق را به عنوان یک متغیر مستقل که سیاست خارجی دو کشور را در روابط فیما بین تحت تأثیر قرار داده است با توجه به عوامل تأثیرگذار بر آن مورد بررسی قرار می‌دهیم.

www.ketab.ir